



## نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

# اکتبر ۲۹۴

۲۵ شهریور ۱۴۰۱ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست درباره :

**قتل مهسا امینی توسط جنایتکاران اسلامی**  
**انتقام مهساها را با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی خواهیم گرفت .**

صفحه ۳

### حمید تقوایی و انتخاب سیاسی در کردستان!

صفحه ۴

صالح سرداری

### شلیر رسولی قربانی جامعه مردسالار!

صفحه ۵

ملکه عزتی

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری حکمتیست

**در رابطه با مرگ شلیر رسولی و اعتراضات فعالین زنان در شهر مریوان!**

**مردم مریوان به خیابان آمده و یکصدا فریاد زدند!**

**سرمایه‌داری و مردسالاری عامل این جنایت است!**

صفحه ۶

### نگاهی به شعار

"پیاوسالاری و سرمایه‌هوکاری نهم به‌لایه"

صفحه ۷

سیوان کریمی

### خود را برای مصافهای جدی آماده کنیم!

صفحه ۸

اسماعیل ویسی

اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

**هشدار به حزب دمکرات کردستان ایران، از گذشته درس بگیرید!**

صفحه ۱۰

## کمونیستها در کردستان باید هوشیار باشند!

**باز هم در مورد سخنان مصطفی هجری در**

**تلویزیون بی بی سی!**

همایون گدازگر

در مورد جنگ حزب دمکرات علیه کومله در دهه ۶۰ کتاب و نوشته و پروتکل و صورتجلسات متعددی موجود است که لازم است نسل جوان امروزی خود با مراجعه به آنها از افتادن به دام دروغ‌پرازی از قبیل اظهارات اخیر مصطفی هجری بپرهیزد. اظهارات مصطفی هجری در تلویزیون بی بی سی تنها انکار واقعیت و دروغ در مورد آن تاریخ خونبار تحمیلی از جانب حزب دمکرات نیست، بلکه ادامه همان راهی است که حزب دمکرات با پیش گرفتن آن موجب آن جنگ تحمیلی و نهایتاً شکست و انشقاق خود شد. این اظهارات می‌خواهد به احزاب سیاسی و جریان‌های چپ و ضد سرمایه‌داری در کردستان اعلام کند که امروز و بخصوص در اوضاع پر تحول کنونی حزب دمکرات در تحمل مخالفین همانی است که بود. اما این تهدیدهای غیر مستقیم بدون دلیل و تنها در هوا پرتاب نمی‌شود.

این حضرات می‌خواهند به جمهوری اسلامی و همچنین تمام جبهه ملون اپوزیسیون راست بگویند در تحولات آتی برای سرکوب "ماجراجویی" جریان‌های چپ آماده اند. این از یک طرف برای ساخت و پیاخت احتمالی با جمهوری اسلامی بدرد می‌خورد و از طرف دیگر در صورت شانس قدرت‌گیری جریان‌های راست پرو غرب در تحولات پیش رو می‌تواند دستمایه و امتیاز و کارتی در دست حزب دمکرات برای معامله و بده بستن باشد.

البته حزب دمکرات برای به عهده گرفتن این نقش از صفر شروع نمی‌کند. در اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ که جامعه کردستان تحت تاثیر جریان‌های چپ علیه جمهوری اسلامی در جوش و خروش بود، در اثنا مذاکرات همیشگی با جمهوری اسلامی، کومه له و جریان‌های دیگر چپ را ماجراجو و هر و مرج طلب خطاب می‌کرد. اما جمهوری اسلامی وقتی به این آمادگی آنها برای سرکوب "ماجراجویان" نگذاشت و خود توسط گله حزب الهه و حاکمین شرع وارد میدان شد.

اشتباه است اگر ظرفیتهای ضد مردمی و ضد دمکراتیک حزب دمکرات را تنها به جنگ علیه کومله محدود کرد. اینها که در اوایل انقلاب از تبعید برگشته و بعد از یک دوره طولانی رکود و غیبت سیاسی، خیزش مردم آنها را دوباره به میدان فعالیت کشانده بود، اطلاع زیادی از جامعه نو



اما امروز پس از گذشت بیش از سه دهه از تحمیل آن جنگ خونین به کومه له ، چرا دبیر اجرایی این حزب دوباره به نقطه اول برگشته است و تبلیغات طبقاتی کومه له علیه حزب دمکرات را علت آن جنگها قلمداد می کند ؟ علت آن

تنها نمی توان درس نگرقتن از گذشته باشد . بنظر می رسد یو بردن از تحولات سیاسی در ایران و به تبع آن در کردستان و همچنین بهم خوردن توازن بین حزب دمکرات و رقیب دیرین او یعنی کومه له ، بخصوص در پرتو اتحاد دوباره جناح های حزب دمکرات در این وسوسه شدن و کرکری خواندن نقش داشته باشد .

کومه له ای که زمانی با صلابت و استواری حزب بورژوازی در کردستان را سر جای خود نشانند ، امروز بخش عمده آن به میدان سیاست همان حزب دمکرات اسباب کشی کرده است و شریک افق های ناسیونالیستی آن شده است . تازه اگر در این شراکت هم بازی داده شوند . سکوت سازمان ابراهیم علیزاده و سازمان زحمتکش ها در مقابل سخنان مصطفی هجری بخاطر رعایت مناسبات دیپلماتیک یا لطمه خوردن مرکز همکاری احزاب کردستانی نیست . بلکه خود اینها هم ادعاهای هجری را قبول دارند . قبول دارند که دیگر نباید علیه حزب دمکرات بعنوان حزب پشتیبان طبقه سرمایه دار در کردستان تبلیغ کرد . نباید دیگر جنایات حزب دمکرات در حق مردم و سازمانها سیاسی را افشا کرد . موقعیت و چرخش این رقبای سابق و توهم به خود اتحاد دوباره جناح های حزب دمکرات آنها را به این موقعیت به اصطلاح برتر فرستاده است .

اما چپ و کمونیست واقعی در کردستان که امروز دیگر خارج از دایره شعب گوناگون کومه له ، در جامعه کردستان فعال و دارای اتوریته می باشند ، باید در مقابل این تهدیدات جدی باشند . جنبش عدالتخواهانه و سوسیالیستی در کردستان باید در تحولات آتی با تکیه بر قدرت و نفوذ توده ای از عمیقترین آزادی های سیاسی دفاع کند و ماجراجویی احزاب ناسیونالیست را با نیروی اجتماعی خنثی و منزوی کند و در صورت تعرض آنها به آزادی بیان و مردم زحمتکش و نا امن کردن جامعه ، آمادگی همه جانبه مقابله با آنها را داشته باشد .

همایون گدازگر

۲۴ شهریور ۱۴۰۱

۱۵ سپتامبر ۲۰۲۲

\*\*\*

۱ ➡ ....کمونیستها در کردستان باید هوشیار باشند!

کردستان و دگرگونی ها و پیشرفتهای اجتماعی آن و به تبع آن آرایش سیاسی جدید جامعه کردستان ایران نداشتند . این بود که به سیاق ۲۰ سال قبل از آن تفنگ برنو به دست دوباره به همان کاری مشغول شدند که ۲۰ سال قبلتر از آن دست کشیده بودند . یعنی جمع آوری بقایای مالکین و عشایر و طوائف عقبه از یک طرف و بدنبال واسطه گشتن به منظور مذاکره و سازش با حکومت مرکزی .

ضدیت حزب دمکرات با آزادی خواهی و دفاع از طبقات استثمارگر از همین مقطع شروع شد . در مقابل تشکل و اتحادیه دهقانان و مردم زحمتکش که برای دفاع از حقوق پامال شده اشان توسط ملاکین و فئودالها بپاخواستہ بودند ، از مالکان و زمین داران پشتیبانی کرده و به ادیت و آزار مردم زحمتکش و حمله به شورا و اتحادیه هایشان پرداختند . اعلامیه و نوشتجات آن زمان سازمانهای سیاسی کردستان پر است از اخبار و افشاگری از این اعمال ضد مردمی حزب دمکرات و دفاع آنها از مالکین و سرمایه داران بخصوص در مناطق شمالی کردستان .

اما آن زمان شهرهای کردستان کانون مبارزه ای توده ای و میلیتانت علیه جمهوری اسلامی در دفاع و حفظ دستاوردهای انقلاب بود . فضایی توده ای ، چپ و عدالتخواهانه تحت هژمونی سازمانها و عناصر چپ در جریان بود . فضا و روندی که حزب دمکرات اساسا با آن بیگانه و نظاره گر منفعل و البته مخالف آن بود . اما بعلت توده ای بودن آن ، قدرت و جرئت مقابله با آن را نداشت . تنها زمانی که شهرها دوباره به تصرف جمهوری اسلامی درآمدند و جمهوری اسلامی جنبش توده ای را سرکوب کرد و نیروهای مسلح احزاب به بیرون از شهر ها رفتند ، انموقع بود که حزب دمکرات در غیاب جنبش توده ای و رادیکال شهری برای ساکت کردن مخالفین خود وسوسه شد و دست به اسلحه برد و جنایاتی آفرید که شرح موجز آنها بوفور در دسترس است .

حزب دمکرات ابتدا از حمله به سازمانهای کوچکتر و به اصطلاح غیر کردستانی مانند سازمان پیکار ، آرخا ، اتحادیه کمونیستها ، سازمان اقلیت ، کومه له یه کسانی و غیره شروع کرد و با مقاومت و مشکل جدی ای روبرو نشد . اما از ابتدا هم معلوم بود که جنایات حزب دمکرات در حق این سازمانها در عین حال هشدار غیر مستقیمی هم به کومه له آن دوران بود که در تاریخ جدید تحولات کردستان حزب دمکرات را به مصاف طلبیده بود و از نظر سیاسی در افشای ماهیت طبقاتی آن توهمی نداشت و دفاع از آزادی سیاسی و عقیده را که عمدتا خود و دیگر سازمانهای چپ در دل انقلاب ۵۷ برای آن جنگیده بودند ، حق مسلم خود و مردم کردستان می دانست .

بر خلاف ادعاهای پوچی از قبیل احساساتی و تحریک شدن پیشمرگانشان در مقابل تبلیغات کومه له و غیره ، در واقع تصمیم در باره مقابله مسلحانه با کومه له در بالاترین سطح رهبری حزب دمکرات گرفته شد . آنها وجود این رقیب چپ منتقد خود را تحمل نمی کردند و بدرست احساس می کردند سروری و یکه تازی اشان در کردستان زیر سوال رفته و به چلنج کشیده شده است . بهمین خاطر برنامه جنگ علیه کومه له را طراحی و اجرا کردند . اما محاسباتشان اشتباه از آب درآمد و در مقابل کومه له کمونیست آن زمان شکست خوردند .



نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست درباره:

## قتل مهسا امینی توسط جنایتکاران اسلامی انتقام مهساها را با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی خواهیم گرفت .

اوباش اسلامی در تعرض درندانه به زنان سنگ تمام گذاشته اند . اما به شهادت تمام عالم این دست وپازدن و زوزه های عاجزانه جنایتکاران در مقابل خروش انقلاب زنانه در ایران است . و حکایت از ناتوانی رژیم هار اسلامی در مقابل موج توفنده جنبش زنان در ایران دارد .

بدون شک تنها راه ، تعرض به ونقص قوانین گنبدیده جمهوری اسلامی است . کاری که زنان شجاع جامع ما به آن مشغولند . مهسا به این جنبش آزادیخواهانه علیه رژیم کثیف اسلامی تعلق دارد .

مردم مبارز شهر سقز و دیگر شهرهای کردستان !

مهسا به جنبش سراسری و عدالتخواهانه آزادی زن تعلق

دارد . اما جا دارد بخصوص در شرایط کنونی که جمهوری جنایتکار اسلامی در محاصره دریای تنفر جامعه است به میدان بیایید . بگذاریم ادامه خروش مردم مبارز مریوان در اعتراض به قتل شلیر رسولی ، در تمام شهرهای کردستان به جواب پیوسته و مداوم درمقابل هر جنایت جمهوری اسلامی بدل شود.

با تظاهرات گسترده در شهرهای کردستان رژیم قاتل زنان را یک قدم دیگر به نابودی و سرنگونی نزدیک تر کنیم .

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ضمن تسلیت به خانواده و بازماندگان مهسای عزیز ، خود را در غم آنها شریک می داند و از تمام احزاب ، تشکل ها و انسان های آزادیخواه می خواهد در برپایی تجمعات اعتراضی علیه این جنایت جمهوری اسلامی بکوشند .

**کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست**

۲۵ شهریور ۱۴۰۱

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-Communist Party of Iran  
Hekmatist  
کمیته کردستان

# جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون

## خطر سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل می شود!

منصور حکمت

**مرگ بر جمهوری اسلامی ایران!**





صالح سرداری  
saleh.sardari@gmail.com

## حمید تقوایی و انتخاب سیاسی در کردستان!

محروم کند، با لابی گری در میان حزب حاکم در سلیمانیه، انجام داده است و ذره ای حقانیت ندارد. اما حمید تقوایی اینجا حاتم بخشی میکند و به آسانی مهمان بودن این تعداد را و صاحب خانه بودن جناح علیزاده را میپذیرد و از جناح چپ میخواهد اردوگاه را ترک کنند.

مینویسد اینها در اردوگاه اکثریت هستند. در بوچون علیزاده و اینجا تقوایی دنیا اردوگاه است. در دنیای این دو حزب کمونیست ایران و تشکیلات خارج و تشکیلات شهرها وجود ندارد. در اردوگاه جناح علیزاده اکثریت هستند و هفت نفر مهمان اردوگاه بوده و باید بپذیرند و از اردوگاه رفع زحمت کنند. تازه حمید تقوایی طوری نوشته که به این هفت نفر کلی خدمت شده و در حق شان بحاشاش صورت گرفته که برای مدتی در اردوگاه اسکان داده شده اند.

اما چرا تقوایی به این صراحت از جناح علیزاده دفاع و حقیقت را فدای مصلحت میکند، ریشه در نزدیکی دو جریان علیزاده و تقوایی بلحاظ سیاسی دارد. در سطح ایران تقوایی میگوید اپوزسیون اپوزسیون نشوید با موسوی کشتی نمیگیریم. علیه دانشجویان در دانشگاه که علیه سلطنت طلبان و مجاهدین شعار داده بودند، اطلاعیه صادر کردند بدفاع از مسیح علی نژاد و بیانیه چهارده نفر می پردازند.

همین سیاست را کومله علیزاده در کردستان مو به مو به پیش برده است. مدتی سخنگوی دو حزب دمکرات و دو سازمان زحمتکشان و سازمان خبات اسلامی شدند. در کمیته دیپلماسی سازمان های اسلامی و ناسیونالیستی عضو مشاور هستند. در کنگره ملی کرد همراه با اسلامی ها و ناسیونالیست ها عضو و شرکت فعالانه داشتند. با احزاب دمکرات و دو سازمان زحمتکشان بعد از کنگره ۱۸ شان نزدیکتر و نزدیکتر شده اند. اخیرا در مورد مصاحبه مصطفی هجری که جنگ داخلی را به گردن کومله انداخت، سکوت کردند و دهها نمونه دیگری میتوان آورد.

برای کسانی که يك روز سیاست کرده باشد به اسانی نزدیکی و هم جیتی سیاستی این دو حزب را در برخورد به اپوزسیون یکی در سطح ایران، و دیگری در کردستان را مشاهده کرد.

نکته دیگری که لازم میدانم به ان اشاره کنم حمید تقوایی در نوشته اش به هر دو جناح نقد میکند و مینویسد

"تاکید بر بیرون راندن جمهوری اسلامی از کردستان، حاکمیت در کردستان، اتحاد نیروهای چپ در کردستان، مسئله دولت موقت و دولت گذار در کردستان و نظائر ان نمونه های دیگری از دیدگاه ناسیونالیستی و منطقه گرایانه هر دو جناح است"

این ادعا که حمید تقوایی یعنی بحث مطرح کردن "دولت موقت" "دولت گذار" حقیقت ندارد و هیچ يك از جناح های حزب کمونیست ایران ان را طرح نکرده اند حمید تقوایی میتواند به خواننده نشان دهد کجا؟ کی؟ و از طرف کدام سازمان یا حزب این بحث مطرح شده است؟

سؤال این است چرا دولت در جغرافیای ایران، سوسیالیستی است در کردستان ناسیونالیستی و منطقه گرایانه است؟ چرا اتحاد نیروهای چپ، حاکمیت شورایی در کردستان ناسیونالیستی است و در جغرافیای ایران قابل دفاع است؟ آیا این دفاع از تمامیت ارضی ایران نیست؟ آیا این سیاست با راست افراطی ایرانی و طرفداران تمامیت ارضی فرق دارد.

اگر مردم کردستان بهر دلیلی طی رفراندومی خواستار دولت مستقل در جغرافیای کردستان شدند، حمید تقوایی با این طرز تفکر در کنار آریایی پرستان ایرانی نخواهد ایستاد؟

مگر در برنامه يك دنیای بهتر بصراحت راه حل کمونیسم کارگری برای حل مسئله کرد نیامده است، که مردم کردستان حق دارند در رفراندومی تصمیم بگیرند، که در چهارچوب ایران مانند شهروندان متساوی الحقوق بمانند یا

رأی به جدایی و تشکیل دولت مستقل میدهند؟

اخیرا حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری دو موضع را در مورد جدایی در حزب کمونیست ایران و کومله و دستگیری چهار نفر از افراد سازمان زحمتکشان به رهبری عبدالله مهندي مطرح کرده است. هر چند تعدادی از فعالین سیاسی و چپ، این موضع تقوایی را نقد کرده اند. با این وجود من فکر میکنم هنوز لازم است، مکث بیشتری روی این موارد بشود و جایگاه سیاسی این موضعگیری ها بیشتر روشن شود.

حمید تقوایی در نوشته ای برای دفاعش از جریان علیزاده و دادن حق اردوگاه به آنها، نوشته است، یکی از دلایل جدایی ما از حزب کمونیست، اختلاف بر سر اردوگاه داری بوده است.

مینویسد "ماندن در منطقه، و اردوگاه داری به معنای مرسوم و سنتی اش، یکی از مسائلی بود که منجر به جدایی ما از حزب کمونیست ایران شد."

این نگرش حمید تقوایی در مورد جدایی های ان دوره بشدت غیر سیاسی است. جدایی ما همزمان بود، با یکی از مهمترین تحول جهان معاصر که جغرافیای سیاسی دنیا را زیر و رو کرد. تحولی که با حمله امریکا به عراق برای سر و سامان دادن به نظم نوین جهانی و تثبیت جهان يك قطبی شروع شد. همچنین شکست بلوک شرق که همزمان پایان یافتن کمونیسم را در دنیا جار زدند. در مورد این اوضاع جهانی بحث ها و جدل هایی در سطح دنیا صورت گرفت. این اوضاع بر سرنوشت کمونیسم ایران و حزب کمونیست ایران هم تأثیرات عمیق گذاشت. کتاب ها و نشریات و گفتارهای زیادی از جمله کتاب بحران خلیج و صدها مطلب و گفتار سیاسی در مورد ان دوره نوشته شده، که خوشبختانه همه اسنادان موجود هستند. حمید تقوایی این ها را را فاکتور میگیرد و اختلاف بر سر اردوگاه داری را برجسته میکند.

این فاکت اختلاف بر سر اردوگاه و فعالیت در انجا هم واقعی نیست. همه شاهدان ان دوره و اسناد موجود نشان میدهد که ما بعد از جدایی از حزب کمونیست ایران میخواستیم در منطقه بمانیم و فعالیت خود را هم ادامه بدهیم. در این رابطه اقداماتی صورت گرفت و برای این امر يك واحد از اعضای فراکسیون کمونیسم کارگری در اردوگاه ماندند و قرار شد تعداد دیگری هم به آنها اضافه شود، اما متأسفانه مشکلات و محدودیت هایی که پیش آمد امکان ادامه کاری را با مشکل روبرو کرد. حمید تقوایی در جریان نیست که بعد از ان دوره کوتاه ما مرتب در کردستان عراق برای بیشبرد فعالیت هایمان مداوما حضور داشتیم. در واقع بحث سر استفاده از اردوگاه و فعالیت در منطقه نبود. مهمترین دلیل جدایی ما از حزب کمونیست ایران اختلاف بر سر تحولات عظیمی بود که دنیا را دچار تغییر و دگرگونی شگرفی کرده بود. بلوک شرق به رهبری شوروی از هم پاشیده شد. دیگر جهان فقط يك قطب بود. امریکا با اشغال عراق، سلطه و قدر قدرتی خود را بر دنیا اعلام کرد.

در ادامه، حمید تقوایی برای حمایت خود از جناح علیزاده در محروم کردن مخالفین وی از امکانات موجود، مینویسد "کومله علیزاده هشت ماه به هفت نفر از کادرهای جناح دیگر در اردوگاه اسکان داده است و حتی مقر دیگری برای آنان مهیا کرده است اکنون خواهان ان است که اردوگاه را ترک کنند. بنظر هم از نظر اصولی و هم عملی بهتر است کومله مازوجی این پیشنهاد را بپذیرد."

حمید تقوایی چون طرفدار جناح علیزاده است این هفت نفر

که از کادرهای با سابقه کومله هستند، را مهمان فرض میکند و بوچون علیزاده را که میگویند انها را اسکان داده ایم قورت داده است. همه میدانند، این ناحقی بزرگی که جناح علیزاده توانسته ان را به سرانجام برساند و رفقای چپ را از امکانات مشترک شان





ملکه عزتی

## شلیر رسولی قربانی جامعه مردسالار!

لیر با سر دادن شعار سرمایه داری و مرد سالاری از عوامل این فجایع هستند، قوانین ضد زن در جمهوری اسلامی را محکوم کردند و شعار همبستگی زنان از کردستان تا تبریز و تهران را سر دادند. فعالین حقوق زن خواستار برچیدن سنن و قوانینی شدند که حریم شخصی زنان را برسمیت نمی‌شناسند و هر روزه به اشکال مختلف این حریم شکسته می‌شود. گاه از طرف مزاحمین و اوباش خیابانی گاه از طرف عوامل "نهی از منکر" و گاه از طرف نزدیکان و اعضای خانواده.

در این میان تعدادی هم شعار دادند شلیر شهید عفت و ناموس! و به خیال خود از شلیر از این طریق حمایت کردند و از وی قهرمان ساختند. تعدادی که خود را فعال عرصه زنان میدانند آنقدر شرف و ناموس برایشان مهم و حیاتی بود که شلیر قربانی تجاوز را شهید عفت و پاکدامنی خواندند!

آدمی انگشت به دهان میماند فرق این عده با جمهوری اسلامی و طوق شرف و ناموس برگردن زنان در چیست؟ فرق اینان با دادستان جانی مریوان که قول قصاص متجاوز را می‌دهد در چیست؟ شرف و ناموس از عوامل اصلی مرگ شلیرهاست و اینان شعار میدهند شلیر شهید عفت و ناموس! ناموس پرستی در قواره ویسته بندی شهادت و افکار راست و ارتجاعی مردسالار در بطن این شعارها به شکل بسیار زمختی خود را نشان میدهد. دادستان مریوان با قول قصاص و تداوم خون ریزی ظاهرا فراموش کرده مسبب این فجایع، مسبب قتل و کشتار زنان مسبب موقعیت فرودست زنان در جامعه وجود امثال او و حاکمیتی است که وی دست نشانده آن است.

عدا و آگاهانه از اصل قضیه که قتل و قصاص یک فرد به بیحقوقی و خشونت سیستماتیک علیه صف میلیونی زنان پایان نخواهد داد حرفی نمیزند و برای اعمال خشونت و خون ریزی بیشتر تحریک احساسات میکنند تا پای قوانین زن ستیزه میان نیاید. به خیال خود می‌خواهد شور و احساسات جریحه دار شده مردم خشمگین و معترض به قوانین قرون وسطایی مذهبی را با این قول و قرار جنایتکارانه کنترل کند.

جمهوری اسلامی ۴۳ سال است برای محو چهره زنانه جامعه به هر ترفند دی متوسل شده و هر سیاستی که زنان را محدودتر کند را اجرایی کرده.

بسیاری از این مردان متجاوز محصول این سیاستها، این فرهنگ ضد زن و وجود و توسعه بربریت قرون وسطایی در آموزش در هنر و در تمام عرصه هایی است که در کنترل و اختیار این سیستم سرکوبگر است. در هر جامعه ای توسل به خشونت بطور استثنایی وجود دارد، در ایران

خبر فاجعه مرگ شلیر همه جا پیچید، شلیر زن جوان ساکن مریوان مورد تعرض مردی که قصد تجاوز به وی را داشت قرار می‌گیرد و برای ممانعت از این دست درازی خود را از پنجره آپارتمانی در طبقه دوم به پایین پرتاب می‌کند.

در پی جراحات وارده در بیمارستان بعد از چند روز جان خود را از دست می‌دهد! ۴۳ سال حکومت آپارتاید جنسی و تحمیل فقر و فرو دستی سیستماتیک بر زنان در خانواده در محل کار و جامعه مردان شرور و قلندر را به این باور رسانده که زن موجودی ضعیف، بی اراده و تسلیم پذیر در مقابل خواست آنان است که هر زمان آنان اراده کنند زنان باید تمکین کنند.

قتل زنان به دلایل واهی دفاع از شرف و ناموس به پدیده ای تقریبا هر روزه تبدیل شده است.

شلیر رسولی نه اولین قربانی خشونت است و نه آخرین. ۴۳ سال است زنان در سایه قوانین جنایتکارانه جمهوری اسلامی هر روزه به بهانه ای مورد تحقیر و بی حرمتی قرار می‌گیرند و هرازگاهی در سایه همین قوانین جانیشان را از دست می‌دهند. سقوط از طبقه ۲ آپارتمان محل سکونت مرد متجاوز سهم شلیر از ستم و تحقیر و بیحقوقی زنان در جمهوری اسلامی بود.

سهم رومینا داس و سهم بسیاری دیگر شعله های آتش و اسید و تیغه چاقو! در

پاره ای از این موارد فاجعه با سکوت جامعه روبرو می‌شود. قوانین مبتنی بر آپارتاید جنسی هم در راستای دفاع از مجرم و برای تبرئه قاتلین و مسببین فاجعه عمل میکند. این روند تقریبا همیشه ثابت بوده.

مردم مریوان اما در فاجعه مرگ شلیر شاهد خاموش در برابر این قتل فجیع نبودند. مردم شریف مریوان و فعالین زنان و کارگران از کنار قتل شلیر به سادگی رد نشدند.

این ماجرا قبل از خبر مرگ شلیر بلافاصله باعث عکس العمل مردم مبارز مریوان شد، راهپیمایی کردند تجاوز و مرد سالاری را محکوم کردند و اجازه ندادند تجاوز و اقدام به خودکشی شلیر در خفا به فراموشی سپرده شود. بعد از مرگ شلیر این عکس العمل ها شدت بیشتری یافت. در مراسم خاکسپاری ش



## ۴ ➡..... حمید تقوایی و انتخاب سیاسی در کردستان!

در تفکر حمید تقوایی نه تصمیم آگاهانه مردم، برای تعیین آینده زندگی خود، بلکه جغرافیا و در اینجا شکل این گربه برایش مهم است. برای همین است هر اقدامی در چهارچوب شکل این گربه از جمله حاکمیت شورایی، در کردستان اتحاد نیروهای چپ ناسیونالیستی و منطقه گرایانه است. واقعا این طرز تفکر حمید تقوایی با ناسیونالیسم ایرانی مو میزند؟ همه این موضعگیری های حمید تقوایی برای اطمینان دادن به راست پرو غرب و سلطنت طلبان است که مدت هاست به آن شیفت کرده است.

حمید تقوایی حاکمیت شورایی در کردستان را دیدگاهی ناسیونالیستی و منطقه گرایانه میداند. وی یادش رفته است زمانی که در کردستان مناطق آزاد داشتیم چه در شهرها و چه در روستاها شوراها تشکیل شدند و ما از شوراها و حاکمیت شورایی دفاع میکردیم. مگر منصور حکمت در سخنرانی کنگره سوم کومله از بحث حاکمیت شورایی دفاع نکرد؟ مگر بقلم منصور حکمت در کنگره ششم کومله سند استراتژی کمونیستی در جنبش کردستان نوشته نشد؟

مسئله دیگری که در ادامه سیاست راست روانه حمید تقوایی میخوایم به آن اشاره بکنم برسمیت شناختن سازمان زحمتکشان مهتدی به اسم کومله است.

متاسفانه چهار نفر از اعضای مسلح سازمان زحمتکشان، در اطراف اورومیه دستگیر توسط جمهوری اسلامی دستگیر شده و رژیم طبق معمول با اتهام های ناروا، به تبلیغات وسیعی در این رابطه دست زده است. جریانات مسئول و فعالین سیاسی این دستگیری ها و اتهامات رژیم را محکوم کرده اند. شخصا در مصاحبه ای ضمن محکوم کردن زندانی کردن این چهار نفر خواستار آزادی فوری آنها شده ام. اما آنچه حمید تقوایی در نوشته هایش انجام داد، دستگیری این چهار نفر را بهانه کرد تا سازمان زحمتکشان را به اسم کومله برسمیت بشناسد. اقدامی که در سنت کمونیسم کارگری بی سابقه بوده است

بعد از دستگیری این چهار نفر، کمیته کردستان این حزب در اطلاعیه ای در این رابطه سازمان زحمتکشان را، به عنوان حزب کومله کردستان برسمیت شناخت که بدست وقتی مورد نقد فعالین چپ و کمونیست قرار گرفتند. حمید تقوایی به دفاع از اطلاعیه و سیاست جدیدشان پرداختند.

حمید تقوایی در جواب سؤالی مینویسد عده ای بحث میکنند چرا گفتید حزب کومله کردستان؟ در جواب میگوید جواب ما ساده است سازمانی با امضای " حزب کومله کردستان ایران" اطلاعیه داده است که چهار نفر از پیشمرگان دستگیر شده اند. هر نیروی سیاسی مسئول و جدی در اعتراض به این دستگیریها باید همین اسم را بکار ببرد

سؤال از حمید تقوایی این است، در سال ۲۰۰۰ وقتی از کومله و حزب کمونیست ایران جدا شده و نام کومله را بر خود گذاشتند چرا هیچ وقت از آنها بنام کومله اسم نبردیم؟ چه اتفاقی افتاده که امروز به آنها حزب کومله کردستان میگوید.

این حزب در ادامه این سیاست در اروپا، به بهانه این چهار نفر با سازمان زحمتکشان همکاری مشترک و اکسیون و کلاب هاوس مشترک گذاشتند و آنها را به عنوان کومله برسمیت شناختند.

حمید تقوایی با این دو موضع گیری یعنی دفاع از جناح عزیزانه، در جدال های درون حزب کمونیست ایران، و برسمیت شناختن سازمان زحمتکشان به اسم کومله در مقابل چپ کردستان در کنار راست ایستاد. و راست کردستان را انتخاب کرد.

صالح سرداری

۱۴ سپتامبر ۲۰۲۲



## اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری حکمتیست

در رابطه با مرگ شلیر رسولی و اعتراضات فعالین زنان در شهر مریوان!

مردم مریوان به خیابان آمده و یکصدا فریاد زدند!

سرمایه داری و مردسالاری عامل این جنایت است!

متاسفانه همانگونه که در خبرها آمده است شلیر رسولی ۵ شنبه در بیمارستان بعثت شهر سنندج چشم از جهان فرو بست. شلیر رسولی چند روز پیش و در شهر مریوان در حالیکه مورد حمله فردی متجاوز و از عوامل و همکاران ارگان های رژیم اسلامی در مریوان به قصد تجاوز قرار گرفت در تلاش برای نجات خود از تعرض و دست درازی این فرد از پنجره خانه فرد متجاوز خود را پایین انداخته و بشدت آسیب می بیند. متاسفانه بدلیل شدت جراحات و سرانجام پس از چند روز دست و پنجه نرم کردن با آسیبهای وارد شده دیروز جان خود را از دست داد. این واقعه در نوع نه جدید است و نه آخرین فاجعه خواهد بود. ۴۳ سال است جمهوری اسلامی بطور سیستماتیک در سرکوب و بی حقوقی زنان از هیچ ترفند و سیاست ارتجاعی کوتاهی نکرده. زنان در جامعه در خانواده و در روابط کاری و اجتماعی بدلیل سیاستهای بغایت ارتجاعی و ضد زن عملا در موقعیت فرودست قرار دارند. این وضعیت در مرگ دهها و صدها شلیر در قربانی شدن رومینا و هزاران زن دیگر به وضوح نمایان است. زنی که در معرض تجاوز و خشونت قرار میگیرد نه جایی پناه دارد و نه امینی برای ادامه زندگی دارد. حاصل چهار دهه حاکمیت اسلام و اپارتاید جنسی حاکم بر جامعه پرپر شدن جانهای شیفته ای است که بخشا حتی نام و نشانی هم از آنان در جایی موجود نیست.

اما این بار مردم شهر مریوان که از همان ساعات اولیه شنیدن این خبر به خشم آمده بودند با تدارک وسیع جمع زیادی از فعالین زنان و فعالین اجتماعی اعتراض و خشم خود را از وضعیت موجود به نمایش گذاشتند. زنان و مردان معترض و شریف این شهر با حضور خود در خیابانهای شهر فریاد دادخواهی هزاران زن قربانی خشونت شدند.

مردم شهر مریوان یکبار دیگر برگ زرینی از همبستگی اجتماعی را به نمایش گذاشتند و با حضور در مراسم تشییع شلیر رسولی و با سردادن شعارهایی در محکومیت ستم و خشونت علیه زنان با نشانه رفتن زیربناهای واقعی ستم بر زنان، نظام سرمایه داری حاکم و مردسالاری است.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن اعلام همدردی عمیق با خانواده شلیر رسولی و محکوم نمودن این جنایت شنیع و غیر انسانی، دست تک تک فعالین کارگری و اجتماعی که در تدارک این صف انسانی و مترقی نقش داشتند را به گرمی می فشارد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۸ شهریور ۱۴۰۱

آزادی زن معیار آزادی جامعه است!





## نگاهی به شعار "پیاوسالاری و سرمایه‌هوکاری نهم به‌لایه"

بگیرد: مورد تجاوز قرار بگیرد؟ به دست مردان خانواده کشته شود؟ جامعه مردسالاری هم هزاران بار او را عامل تجاوز و تحقیر به خود می‌داند؟ یا خودکشی کند؟ چه انتخاب‌هایی بر سر راه وجود دارد؟ شاید اگر جامعه‌ای وجود داشت که فرد مورد تجاوز را قربانی می‌دانست و آستین‌ها را برای کمک به فراموش کردن و بازگشت دوباره به زندگی بالا می‌زد، انتخاب دیگری هم بود. این عین مردسالاری است. جایی که وقتی پای یک زن در میان است، تمام آوارها بر سر او باید ریخته شود. حق با مارکس است. اگر قرار به رشد کردن یک جامعه باشد باید به دنبال تغییر جایگاه زنان در جامعه باشیم. خانواده‌ی ستمگر که در بهترین حالت ممکن، نقش قصاب زنان قربانی را به دوش می‌کشد نیز باید تغییر کند. خود خانواده هم عاملی است که تصمیم به خودکشی را تسریع می‌کند. این شکل ستمگرانه نه حامی قربانی، بلکه سایه‌ی همیشگی مرگ و ترس را بر سر زنان گسترده می‌کند. شمشیری است که اگر افکار مردسالارانه فقط حس کند که شرافتش لکه‌دار شده یا می‌شود بر سر قربانی و آن هم با افتخار و غرور فرود می‌آید. زدن مردسالاری و در کنار آن، هر آنچه که حامی این سنت کثیف است، قدم اول و اساسی در این راه است. شاید اگر بر فضای این جامعه سایه‌ی مردسالاری نبود، شعار را اینگونه می‌دادند: "مردسالاری، مذهب و سرمایه‌عامل این بلایا هستند".

### سرمایه‌داری:

انتخاب این کلمه برای این شعار را شاید، به دلیل وضعیت فقر و فلاکتی که باعث شده بود همسر شلیر برای گذران زندگی به کردستان عراق برود و معیشت و نان سفره را از آنجا تأمین کند، برگردد. انتخابی که کاملاً درست و بجاست. اما از نظر من باید کمی دورتر شد و عمیق‌تر به مساله نگاه کرد. همیشگی گفته‌ایم که مبنای سرمایه‌داری سودآوری است. اولین حربه‌ی در این راه ایجاد نابرابری بین انسانها، بین زن و مرد و حتی بین همه افراد جامعه بوده و هست. اشکال مختلف نابرابری - که توضیح و تفسیر آن در حوصله‌ی این نوشته نیست- مرزهای مصنوعی بین انسانها را به شکل ضمختی شکل داده است. نابرابری در عرصه‌ی اقتصادی شکل بارز و تولید آن است که امروزه در جامعه‌ی ایران اکثریت مردم آن را لمس کرده‌اند. دیگر جایی برای توضیحات تئوریک باقی نمانده است. ریشه مردسالاری بسیار کهنتر از سرمایه‌داری است، اما برای از بین بردن آن باید سرمایه‌داری را برانداخت. همین سرمایه‌داری با وضع قوانین به‌شدت تبعیض‌آمیز و سختگیرانه، برای انباشت سرمایه و کسب سود شرایط نامطلوب و حقوق کمتر و نابرابری بیشتر را به جامعه تحمیل می‌کند. گسترش روز افزون بیکاری و چند ده میلیونی شدن ارتش بیکاری در جامعه ایران، حداقل، و شاید حداکثر، انتخاب را در مقابل همسران شلیرها قرار می‌دهد که برای پر کردن شکم خود و فرزند و همسرش، برای کارگری کردن روانه‌ی کشور دیگر شود. این نظم سرمایه‌داری که تبعیض را لازم دارد. تفاوت بین انسانها به شدت‌ترین شکل ممکن را می‌خواد و برای سودآوری و انباشت سود سیاستی که خروجی آن

یکی از اتفاقاتی که در روزهای اخیر شهر مریوان و به مرور جامعه کردستان را تحت تاثیر و تاثر قرار داد، مرگ شلیر رسولی بود. پس از منتشر شدن خبر بستری شدن شلیر در بیمارستان و دلیل این حادثه دهشتناک، عکس‌العمل به این اتفاق کم‌کم شکل گرفت. اما مهمترین اتفاق و عکس‌العمل پس از مرگ شلیر به وقوع پیوست. تظاهرات و تجمع‌هایی در شهر مریوان و بعداً در سنندج شکل گرفت. کار بجایی رسید که دادستان و مهره‌های رژیم قول "اعدام" مسبب این حادثه را دادند که اتفاقاً و طبق اخبار منتشره از مهره‌های خود رژیم است. اما مهمترین و نقطه‌ی اوج این اعتراضات و عکس‌العمل به مرگ شلیر، زمانی بود که شعار "مردسالاری و سرمایه - مسبب این بلا است" سر داده شد. در این نوشته تلاش می‌شود که نگاهی عمیق‌تر به این دو مساله، مردسالاری و سرمایه‌داری بیاندازیم و نقش آنها را در وضعیت سرکوب زنان نگاه کنیم.

### مردسالاری:

این بخش از بحث را از مارکس کمک می‌گیرم که در دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی (۱۸۴۴) اینطور بیان می‌کند که می‌توان از جایگاه زنان در جامعه به عنوان معیاری برای رشد جامعه استدلال کرد. دو سال بعد بیان داشت که خانواده در شکل بورژوازی آن ستمگر است و اگر قرار باشد که جامعه‌ای بهتر محقق شود باید [خانواده] به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر کند. نمی‌توان در مورد مردسالاری سخن گفت و نقش سرمایه‌داری را فراموش کرد، اما چون بخش دوم این نوشته به این مساله می‌پردازد، ترجیحاً در این قسمت بحثی از سرمایه‌داری نمی‌شود.

تحولات جامعه ایران و نقش پر رنگ زنان در دو دهه‌ی اخیر قابل تأمل است و غیر قابل انکار است. اما در مقابل، دستگاه عریض و طویل تبلیغات رژیم اسلامی در کنار صنعت دین و مذهب و سرمایه به شدیدترین شیوه‌ی ممکن تلاش دارند که مبارزات زنان و جایگاهی که در چشم‌انداز است را به عقب برانند. دستگاه دین با تحقیر زنان و تبدیل آن به "ابزار" و "شرف" مردان این موقعیت را به مردسالاری می‌دهد که برای حفظ این شرافت دست به کشتار زنان بزنند. از نظر من واژه و ترم مردسالاری در این شعار مضمونی دو پهلو دارد. از یک سو به جامعه‌ای اشاره می‌کنند که مردان برای هوا و هوس خود اقدام به تجاوز به زنان بکنند و زنان از ترس ریختن "آبرو و شرف" خانواده یا تن دهند و یا خودکشی کنند. در این جامعه مردسالار حتماً از سوی زنان اقدامی صورت گرفته است که باعث تحریک مرد شده باشد و اقدام به تجاوز اتفاق افتاده باشد. اما اگر تجاوزی صورت بگیرد و زن زنده بماند، آنگاه چه می‌شود؟ باز دوباره همین مردسالاری با فشار "نرینه‌های فامیل" را قانع می‌کنند که برای پاک کردن این لکه ننگ، خون زن را باید ریخت. اینکه زن مورد تجاوز قربانی است، مطلقاً در این فرهنگ جایی ندارد. اما سوی دیگر این شعار و ترم را باید در روز خاکسپاری شلیر جستجو کرد. جایی که به "شهید پاکدامنی" از آن یاد شد. همین ترم مذهبی و به غایت عقب مانده فرهنگی، خود دلیلی برای تصمیم به خودکشی است. اینجا یک قربانی باید در چند ثانیه تصمیم





## خود را برای مصافهای جدی آماده کنیم!

سرنگونی جمهوری اسلامی و آلترناتیو جایگزین در صحنه سیاست ایران و از جمله در کردستان در حال حاضر معنای زمینی-اجتماعی گسترده و ملموس تری به خود گرفته است. با آگاهی بر این روند، لازم است-قطب کمونیستی و چپ در کردستان- تصویری دقیق و روشن، با برنامه، سازمانیافته و هدفمند، داشته باشد "سرنگونی انقلابی مد نظر خود را، تعریف و استراتژی آن را مدون و روشن کند. چون بدون برنامه ریزی، هدفمند که ستون فقرات اساسی آن طبقه کارگر سازمانیافته و آگاه و متشکل در پیوند ناگسستگی با جنبش آزادیخواهان و برابری طلبی در بعد اجتماعی و سراسری، بدون رهبری سیاسی قطب کمونیستی و چپ، ممکن نیست، بهشعور سیاسی و مادی و اجتماعی میل کند." تا بتوان از حقه کردن سرنگونی مورد نظر جنبش راست و ناسیونالیسم کرد، و همچنین تهدید کردن و شاخ و شانه کشیدن - جنبش ارتجاع قومی- مذهبی ناسیونالیستی و اسلامی- علیه جنبش آزادیخواهی و برابری طلبانه در جامعه کردستان جلوگیری کرد. همچنانکه در مصاحبه اخیر مصطفی هجری مسئول اجرائی حزب دمکرات کردستان ایران بسیار در تهدید و شاج و شانه کشیدن برای قطب کمونیستی و چپ و هر گونه ابراز وجود رادیکالیسم اجتماعی و مبارزاتی عیان و آشکار بود!

### کردستان جامعه ای طبقاتی است!

به طور بسیارموجز در رابطه با رویدادهای اخیر، منطقه خاورمیانه، بقدرت خزانیدن طالبان در افغانستان، در پرتو در آراء قرار گرفتن قطب بندی های جدید قدرتهای جهانی و منطقه ای و موقعیت بد جهانی حکومت اسلامی از هر لحاظ تلاش برای دامن زدن به فقر و فلاکت گسترده و بگیر و ببند فعالین و رهبران کارگر یو توده ای - اجتماعی روی آوری به راه انداختن ماشین اعدام در چند ماه اخیر. برای ایجاد فضای رعب و وحشت. سوق دادن جامعه به استیصال و نا امیدی در تقابل با جنبش جاری و جو مقاومت و امیدواری برای سرنگونی و ایجاد تغییر، بعنوان ضربه پیشگیرانه در داخل ایران است. تاکید میکنم که در چنین اوضاع و احوال داخلی ایران و منطقه "جنبش ناسیونالیستی گردد، جنبش سیاسی بورژوازی گردد" در تمامی کشورهای منطقه است در بطن چنین شرایط و اوضاع و احوال سیاسی-اجتماعی، همچنان جنبشی زنده اجتماعی است و قابلیت به بازی گرفتن سیاسی-اجتماعی را در تقابل با جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه را دارد و محتمل است که نیروهای مسلح در اقلیم کردستان برای تقویت آن در تقابل با رادیکالیسم اجتماعی و قطب کمونیستی و چپ از هیچ تلاش مادی و لجستیکی دریغ نکنند. واز این منظر باید آن را بررسی و نتیجه گیری عملی سیاسی طبقاتی- اجتماعی کرد. زیرا همچنان که اشاره کرده ام با تمامی مؤلفه های جهانی - منطقه ای و داخلی در جامعه ای ایران، تقابل و کشمکش جدی اجتماعی- طبقاتی در سراسر ایران و کردستان، در قدم اول با کلیت و موجودیت حکومت اسلامی و جنبش راست هم اکنون در جریان است. تمامی مصائب اجتماعی که به اکثریت مردم زحمتکش در ایران تحمیل شده است، در کردستان نیز منعکس است زیرا: ایران جامعه ایست سرمایه داری، از رشد و گسترش وسیعی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و طبقاتی تر شدن جامعه برخوردار است. این وضعیت در کردستان هم انعکاس مستقیم را داشته و به طبقات اصلی "سرمایه دار و کارگر" به عنوان طبقات اصلی اجتماعی در شکل هر چه عریانتر استثمار کننده و استثمار شونده، شکل داده است. بورژوازی گردد

جامعه ای ایران بدون شک آستان تحولات سیاسی- اجتماعی و اقتصادی است. کاملا ملتهب و در حال غلیان است. اما، شرایط سیاسی- اجتماعی و مبارزاتی پیچیده و غامضی برای مادیت بخشیدن به تغییرات مثبت و بنیادین، در پیش رو است. این موقعیت، وظیفه ی بسیار خطیری را پیش پای- جنبش چپ، قطب کمونیستی و چپ- در سراسر ایران و کردستان، قرار داده است. جنبش اعتراض توده ای- اجتماعی در محل کار و زیست علیه فقر، فلاکت و گرانی روز افزون ابتدائی ترین مایحتاج زیستی و معیشتی، ایمنی و تضمین شغلی و حق و حقوق انسانی- اجتماعی و برای دستیابی بدان، علنا جاری و میرمیت اساسی پیدا کرده است. وضعیت تحمیل شده بر جامعه به یمن موجودیت حکومت اسلامی سرمایه داران میباشد. تداوم خیزش و اعتراض توده ای- اجتماعی آبانماه ۹۸ و متعاقب آن بویژه اعتراضات و اعتصابات وسیع - کارگران در بخشهای متفاوت صنعت نفت، پتروشیمی ها، اعتراضات مستمر معلمان، بارنشتگان و فرهنگیان. تقابل جدی زنان علیه حجاب، این نماد تحقیر آمیز و فاشسیسم اسلامی. مشکل بی آبی و معیشتی و زیستی مردم خوزستان که اقصی نقاط ایران و از جمله کردستان را، با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای فرا گرفته بود، که عملا علیه موجودیت حکومت اسلامی و عبور از آن میباشد، ابرازوجود اجتماعی کرده است و عیلرغم بظاهر فروکش کردن آن همچنان چون آتش زیر خاکستر است که هر آن، ممکن است میلیتانت تر و رادیکالتر، چون آتشفشان فوران و ابراز وجود علنی - اجتماعی کند. زیرا سیستم و زیربنای اقتصادی حکومت، ویران و از کار افتاده و در حال فروپاشی است. ادامه چنین موقعیتی ممکن نیست و هیچ راه گریزی جز سرنگون کردنش در پیش پای جامعه، نمانده و قرار ندارد. رژیم اسلامی به نوعی خود نیز واقف است که هیچگونه راه بازگشتی به جز سرنگون شدنش، وجود ندارد.

بدون شک، این روند و پروسه ی ملموس، سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران در ایران است که در دستور جامعه قرار گرفته است. سردمداران حکومت اسلامی و کل دارودسته اصلاح طلبان و مدافعین رنگارنگ بقاء آن و آنهایی که برای جلوگیری از سرنگونی انقلابی، دم از "خشونت گریزی- گذار مسالمت آمیز" میزنند و تلاش می کنند جلو رشد و گسترش رادیکالیسم سیاسی- اجتماعی جنبش جاری را بگیرند. و ... کلا جنبش های راست و چپ و جنبش بورژوا ناسیونالیستی گردد بعنوان بخشی از جنبش راست در بعد سراسری، دخیل در این پروسه پیام عملی اش را گرفته اند. ازاین منظر است، جنبشهای موجود تلاش میکنند با دخالت و ارائه آلترناتیو سیاسی- اجتماعی و طبقاتی، مهر خود را بر آن بکوبند و در جهتی که منافع طبقاتی شان را تامین کنند، هدایت و رهبری کنند، خلاء رهبری و هژمونی سیاسی- اجتماعی مبارزات جاری و درحال حاضر را بزعم خود تامین کنند و آلترناتیو طبقاتی- اجتماعی خود را در فردای سرنگونی حکومت اسلامی متحقق کنند آنها را به تکاپو انداخته است. بر این اساس به نوعی عملا جدال بر سر قدرت سیاسی و





## ۸ → .... خود را برای مصافهای جدی آماده کنیم!

تلاش میکند در لفافه‌ی حل مسئله " ستم ملی - کُرد " به منظور سهم خواهی از قدرت سیاسی و شراکت در استعمار طبقه کارگر از سوی حاکمیت سیاسی بورژوازی در ابعاد سراسری، در کردستان به رسمیت شناخته شود و اداره‌ی جامعه کردستان به آنان سپرده شود.

چون، جامعه کردستان بخش تفکیک ناپذیر و ارگانیکی از اقتصاد سیاسی در ابعاد سراسری در ایران میباشد. به تبع آن هر فعل و انفعالی از لحاظ اقتصادی، سیاسی- اجتماعی و طبقاتی و مبارزاتی انعکاس خاص خود را در کردستان داشته و خواهد داشت. در نتیجه مصافهای پیش روی جنبش کمونیستی و چپ در راستای جهتگیریهای سیاسی- اجتماعی و مبارزاتی سراسری میتواند معنا و مفهومی عملی پیدا کند و نمیتواند جدا از "جدال اصلی عرصه‌های نبرد طبقاتی" در ابعاد سراسری و تضاد طبقات اصلی اجتماعی "طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار" باشد.

تاکید میکنم که، جنبش ناسیونالیستی در کردستان ایران - جنبش سیاسی بورژوازی کُرد است، این جنبش با بخش علنی احزاب سیاسی مستقر در کردستان عراق " مرکز همکاری احزاب کُرد، پژاک، و با خیز برداشتن اخیر کومه له - جناح ابراهیم عزیزاده، برای ملحق شدن به این جنبش"، فراکسیون نمایندگان کُرد زبان در مجلس شورای اسلامی، جبهه متحد کُرد، انستیتوی کُرد، انجمن کُردهای مقیم مرکز و غیره در کنار سنت و فرهنگ و عادات عقب مانده اجتماعی ناسیونالیستی موجود در جامعه" اجزاء سیاسی متشکل جنبش ناسیونالیستی کُرد "میباشند. جنبشی که با ریشه‌های اجتماعی و فعال در جهت دستیابی به منافع طبقاتی خود تلاش میکنند نه تنها در قدرت سیاسی به بازی گرفته شوند، بلکه به عنوان بخشی از این سیستم و سهم در استعمار طبقه کارگر در کنار بورژوازی در ایران از سوی جناح در قدرت "حاکمیت سیاسی" و همچنین جناح‌ها و دیگر گرایش‌های اپوزیسیون بورژوائی و راست به رسمیت شناخته شوند. تلاش عملی و مواضع سیاسی جریانات و احزاب سیاسی جنبش ناسیونالیستی کُرد در داخل و خارج ایران و همگامی با آلترناتیو جنبش راست در این برهه، تاییدی بر این واقعیت است.

در تقابل با جنبش بورژوا ناسیونالیسم کُرد " جنبش کمونیستی، و چپ، برابری طلبانه و آزادیخواهانه زنان و جوانان و مدرنیسم اجتماعی در جامعه کردستان، با حضور علنی احزاب سیاسی مربوطه و فعالیت عملی- اجتماعی، جنبشی زنده، فعال و با پایه اجتماعی، محسوس و ملموس و مادی" می باشد که در معادلات قدرت سیاسی در آن جامعه در حال حاضر غیر قابل حذف است. اما، نباید غافل بود، زیرا این وضعیت اجتناب ناپذیر نیست و لازم است پایه‌های اجتماعی آن را با توهم زدائی سیاسی- اجتماعی سنت کُردیایه تی، هر چه بیشتر آگاهتر، محکمتر، سازمانیافته تر و وسیعتر کرد تا بتوان در تقابل با جنبش بورژوا ناسیونالیستی کُرد که نهایتاً بر سر اداره و حاکمیت سیاسی جامعه کردستان، از زاویه‌ی منافع طبقاتی قرار خواهد گرفت، نه تنها غیر قابل حذف باشد، بلکه نتوانند " آزادی را از جامعه سلب کنند، سنت و فرهنگ ارتجاعی تبعیض آمیز و ضد آزادی زنان و علیه حق و حقوق کودکان، و فقر و فلاکت اقتصادی و سرکوبگری را تحت لوای کُردیایه تی، به جامعه" تحمیل کنند. همچنان که در کردستان عراق، از سال ۹۱ میلادی تاکنون تحت عنوان کُردیایه تی و بازی با کارت کُرد، در دفاع از منافع سرمایه داران، چنین وضعیتی را تحمیل کرده اند شرایطی که موجب بروز اعتراضات مدام زحمتکش‌ان آن جامعه بر علیه وضع موجود و برای دستیابی به ابتدائی ترین مایحتاج زندگی شان است. احزاب ناسیونالیست حاکم اعتراضات معیشتی- زیستی را، بدون اما و اگر به خون کشیده اند. اوضاع کردستان عراق و حاکمیت ناسیونالیسم کُرد، عکس برگردانی

از نسخه حاکمیت جنبش بورژوا ناسیونالیستی کُرد، در کردستان ایران است! با به رسمیت شناختن این مؤلفه‌ها میتوان و باید مصافهای اصلی و پیش روی قطب کمونیستی و چپ در بعد اجتماعی و عملی را، در نظر گرفت، مشکلات و موانع پیشروی را شناخت، برای علاج واقعه قبل از وقوع برنامه ریزی کرد. بر عرصه‌های اصلی نبرد طبقاتی مابین کار و سرمایه در کردستان تمرکز و در جهت تامین منافع اکثریت مردم، به پیش رفت.

### وظایف قطب کمونیستی و چپ در جامعه کردستان

اشاره کردم که پروسه‌ی سرنگونی رژیم اسلامی در دستور جامعه قرار گرفته است. این واقعیت را حکومت اسلامی میداند و دارد خود را آماده تقابل جدی می کند. تقابل و کشمکش جدی اجتماعی- طبقاتی هم اکنون در جریان است. جنبشهای راست و چپ تلاش میکنند مهر سیاسی- طبقاتی و اجتماعی خود را بر این روند بکوبند و جنبش جاری را در مسیر مورد نظر و برای متحقق نمودن آلترناتیو سیاسی- طبقاتی و اجتماعی خود رهنمون، و رهبری و هدایت کنند. هرچند هنوز " توده وسیعی از مردم به طور خاموش دارند عمل می کنند ولی بدون شک خواهان سرنگون شدن این رژیم و خلاص شدن از این وضعیت فلاکتناز تحمیل شده، هستند. بر این اساس "جنبش کمونیستی و چپ" وظیفه‌ای بسیار خطیر دارد. لازم است آگاهانه و با برنامه ریزی دقیق عمل کند. قطعاً در ادامه آن اکثریت خاموش هم پا به میدان خواهند گذاشت. باید سازماندهی این اکثریت خاموش را در محلات زیستشان در اولویت گذاشت. زیرا محلات و محل زیست، همچون محل کار جایگاه تمرکز و گرد آمدن جمعیت کثیری از کارگران، زحمتکش‌ان و خانواده هایشان هستند که از طریق مجامع عمومی تصمیماتشان را میگیرند. چون ساکنین محلات کارگری و فقیر نشین درد و رنج زندگی شان یکی است. همدیگر را می شناسند به همدیگر اعتماد میکنند. و ... ممکن ترین راه و محل برای سازماندهی اعتراض توده‌ای- اجتماعی و زمینه سازی برای ایجاد شوراهای مردمی و کنترل محلات است. چون اعتراضات توده‌ای- اجتماعی از محلات سرچشمه میگردد و تلاش با برنامه از هم اکنون مبرمیت پایه‌ای دارد. چنین تلاشی مبنا و در راستای زمینه سازی ایجاد شبکه محلات برای کنترل محلات و زمینه سازی و سازماندهی شوراهای مسلح مردمی و تضمین کننده حاکمیت شورائی مردم. مکانیزم اعمال اراده‌ی مستقیم بر سرنوشت خویش میباشد، باید از هم اکنون برنامه ریزی کرد و دست به کار شد. بنکه‌های محلات درقبل و بعد از انقلاب ۵۷ در شهرهای سنجند و ... تجاربی غنی تاریخی- اجتماعی، در این رابطه میباشد. نباید فراموش کرد ارتجاع قومی- مذهبی نیز بر سازماندهی و کنترل محلات متمرکز است.

به شرایط خطیر پیش رو و پیچیدگیهای آن و همچنین مصافهای جدی پیش پا که در جامعه ایران وجود دارد، و برای تمامی فعالین کمونیستی کارگری و چپ ملموس است، اشاره شد. در کردستان محافل رهبران عملی کارگری و آزادیخواه وجود دارد و تا کنون نقش سیاسی- اجتماعی خود را به هر شیوه ممکن، در مقاطع متفاوت ایفاء کرده اند. اما شرایط پیچیده و مصافهای جدی که پیش رو میباشد، برای تقابل نیازمند آمادگی قبلی است. جدا از به هم بافته شدن، محافل رهبران عملی کارگری و اجتماعی چون شبکه‌ای سراسری باید برای ایجاد و سازماندهی شبکه محلات و اکثریت



## اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

### هشدار به حزب دمکرات کردستان ایران، از گذشته درس بگیرید!

گفتگوی مصطفی هجری رئیس اجرائی حزب دمکرات کردستان ایران در بی بی سی و بویژه اظهارات وی در باره جنگ حزب دمکرات علیه کومه له، نشان داد که حزب دمکرات کردستان ایران و شخص ایشان کمترین تغییری نکرده اند. نه فقط به حداقل سلامت سیاسی و تعهد به وقایع و تاریخ مستند پایبند نیست، بلکه حاضر است از تریبون بی بی سی رسماً دروغ بگوید، تاریخ را وارونه جلوه دهد و یک جریان سیاسی را با صدها شاهد زنده متهم به آغاز جنگی کند که سیاست رسمی و اعلام شده رهبری حزب دمکرات کردستان ایران بود. حزب دمکرات، خود را قیم و حاکم خودگمارده مردم میدانست و تحمل حضور هیچ جریانی را نداشت و با زبان زور و اسلحه با هر مخالف و منتقدی روبرو میشد. دستگیری فعالین سیاسی منتقد و معترض به سیاستهای آن حزب و در موارد متعدد زندانی کردن اعضای شوراهای منتخب مردم، حمله به مقر و دفاتر و فعالین سازمانهای چپ از پیکار و فدائی و راه کارگر تا حملات مکرر به نیروهای کومه له جزو تاریخ مستند آن جامعه در فاصله سالهای ۵۸ تا ۶۲ است. اما اعلام جنگ سراسری حزب دمکرات با کومه له بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران سیاست رسمی حزب دمکرات از مقطع کنگره ششم و پلنوم بعد از آن به رهبری عبدالرحمن قاسملو بود. قرار بود یا کومه له را تابع سیاستهای ناسیونالیستی و ارتجاعی خود کند و یا هر نوع تبلیغ علیه سرمایه داران و ارتجاع، خوانین و شیوخ بجامانده و مبارزه سیاسی علیه افکار و آرا ناسیونالیستی و کارکرد ارتجاعی حزب دمکرات را با زور اسلحه منکوب کنند.

اما این سیاست حزب دمکرات زمین گیر شد. بزرگترین شکست سیاسی و نظامی را در تاریخ خود از کومه له و حزب کمونیست ایران وقت دریافت کرد. صفوف حزب دمکرات دچار ریزش و در کنگره هشتم دچار انشعاب شد. نهایتاً این حزب کمونیست ایران و کومه له بود که با اعلام آتش بس یکجانبه، جنگ را پایان یافته اعلام کرد و حزب دمکرات ناچار شد ناکامی و سرخوردگی را بپذیرد. بعد از چهار دهه از آن وقایع تلخ، سخنان امروز مصطفی هجری مو به مو تکرار سخنان عبدالرحمان قاسملو و رهبری وقت حزب دمکرات در مقطع کنگره ششم ناکام مانده و سپری شده آن جریان است. اگر مصطفی هجری صرفاً بدلیل سطحی گری و تعصب کور ناسیونالیستی و ضد کمونیستی چنین سخنانی را بزبان می آورد، میشد با تذکر و توضیح رهبران و فعالین آشنا و متعهد به واقعیات آندوره و با رجوع به اسناد فراوان و پروتکل های مذاکرات نشان داد، که ایشان به کاهدان زده و بنا به اظهارات خودشان در مورد رویدادهای انقلاب ۵۷ هنوز "در گوش گاو خوابیده اند!!" این اظهارات نشان میدهد که نه فقط ایشان و رهبری حزب دمکرات از این رویدادها درسی نگرفته است، بلکه خود را برای تکرار آن آماده میکنند. ساده اندیشی و خام اندیشی است اگر این اظهارات را به اشتباه و تعصب ناسیونالیستی هجری محدود کرد، خیر، ایشان دارد راجع به آینده حرف میزند. دارد میگوید "قوائد بازی" در کردستان همان است که بود و حزب دمکرات کسی را تحمل نخواهد کرد و پیشاپیش اعلام میکند که سیاست جنگ طلبانه علیه هر کسی را دارد که علیه حزب دمکرات سخنی بگوید.

ما به حزب دمکرات و مؤتلفین ناسیونالیست آن جریان هشدار میدهم که اگرچه آنها در گذشته مانده اند اما زمانه و جامعه عوض شده است. به نفعتان است که از گذشته درس بگیرید. سیاست قلدری نظامی شما در روز خودش از کمونیسم در کردستان شکست سنگینی خورد. کمونیسم و رادیکالیسم در جامعه کردستان امروز به مراتب آگاهتر و گسترده تر است و به طریق اولی سیاست زورگویی امروز و در آینده بجائی نمیرسد و با صفی محکم از کمونیست ها و کارگران و مردم آزادیخواه کردستان و سراسر ایران روبرو میشود. بی بی سی هم که بوق ارتجاع و بنگاه جعل و نشر دروغ شده است، بهتر است معرکه گیر ماجرا نشود، خود را به ندانستن و بی اطلاعی نزنند و در قلدری سیاسی و شاخ و شانه کشیدن حزب دمکرات سهیم نشود.

فراخوان ما به کارگران، کمونیست ها و مردم آزادیخواه کردستان و سراسر کشور اینست که باید هشیاری و آمادگی لازم را در قبال سیاستهای ارتجاعی و جنگ طلبانه حزب دمکرات و ناسیونالیسم کرد و دیگر جریانات بورژوازی مرتجع ایران بالا برد و از هم اکنون آماده بود که هر تلاش زورگویانه احزاب بورژوائی علیه آزادیهای سیاسی را در نطفه خفه کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سیزدهم شهریور ۱۴۰۱ - چهارم سپتامبر ۲۰۲۲



کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!

## ۵... شلیر رسولی قربانی جامعه مردسالار!

تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اما خشونت و بیحقوقی زن اصل است، استثنا نیست. باز تولید خشونت نهادینه در قوانین جاری هر روزه در خیابان و کـوچـا و بـازار و اشکال مختلف خود را نشان می‌دهد. برای شلیر در خانه مردی که شلیر برای ک مک به او رفته بود برای رومینا در خانه پدری و برای مونا در خیابان و کوچه شد هری که در آنجا دنیا آمده بود. سلب امنیت و آسایش از زنان بطور سیستماتیک هم ه جا در جریان است. از سپیده رشنو در اتوبوس سلب امنیت می‌شود و از شلیر در چهار دیواری خانه فرد متجاوز.

در کنار فاجعه مرگ شلیر بحث در مورد درستی یا نادرستی اقدام به خودکشی شلیر هم اینجا و آنجا در جریان بود. بحث درستی یا نادرستی این تصمیم زمانی می‌تواند مطرح شود که زنان در جامعه از امنیت نسبی و درجه ای از حقوق ابتدایی و اولیه برخوردار باشند. مراکز امن حمایت از زنان قربانی خشونت موجود باشند، فعال باشند و در دفاع از قربانی از امکانات کافی برخوردار باشند، با وجود جامعه ای که آغوشی باز برای قربانیان تجاوز داشته باشد. به قربانیان تجاوز امکان شکایت و دادرسی داده شود و جای متهم و قربانی عوض نشود. نگاه تحقیر و سرزنش زنان جای خود را به دفاع و احقاق حق قربانی بدهد و حلقه ای از همراهی و همیاری حول زنان تشکیل شود. آنوقت میتوان حرف از انتخاب درست و منطقی زد. تقریباً بیشتر افراد اگر با بیماری های حاد فکری و روانی درگیر نباشند میدانند خودکشی راه حل و درمان دردهای روزمره در زندگی نیست. انسانها زمانی به خودکشی فکر میکنند که هیچ روزنه امیدی برای خود نمی بینند. ساختار ویرانگر جامعه امروز برای زنانی که در تنگنا هستند و مورد خشونت فیزیکی و کلامی قرار میگیرند روزنه ای باقی نگذاشته. شرط بین تسلیم شدن و پذیرفتن یا طرد شدن و ایزوله شدن انتخاب نیست، سوق دادن به پرتگاهی است که نهایتاً قبول سقوط و پذیرفتن مرگ است. آدمها در یاس و خلاء راه به جایی نمیبرند. بر اساس کدام تضمین و گارانتی قانونی شلیر میتوانست تصمیم دیگری بگیرد؟

مرگ شلیر یکبار دیگر نشان داد تا قوانین حاکم در ترویج و تحمیل بیحقوقی زنان عمل میکند در بر همین پاشنه خواهد چرخید. اما مرگ شلیر یک واقعیت دیگر را هم نشان داد، حضور فعالین عرصه های مختلف در خیابانهای مریوان و سنندج در اعتراض به مرگ شلیر و محکوم کردن زمینه های تجاوز و خشونت یکبار دیگر گارد محکم و رادیکال مردم در مقابل حکومتی را نشان میدهد که با توسل به خشونت و سرکوب ادامه حیات میدهد. حضور هزاران نفره مردم در شهرهای مریوان و سنندج هشدار جدی به جمهوری اسلامی بود که ما صف میلیونی انسانهای معترض و مبارز قصد سکوت و تسلیم شدن نداریم و تا برچیده شدن بنیان تبعیض و ستم بر زنان به مبارزه ادامه میدهیم. سرنگونی جمهوری اسلامی قدم اصلی و نهایی در جهت خشکاندن ریشه ظلم و ستم بر زنان است.

ملکه عزتی

\*\*\*

## ۷

نگاهی به شعار  
"پیاسالاری و سرمایه هۆکاری ئهم به لایه"

مرگ انسانها باشد، برایش مهم نیست. اصلاً انسان برایش مهم نیست. رشد سریع تکنولوژی و ماشینی شدن بازار کار را نگاه کنید.

### چه باید کرد؟

جامعه در حال رشد است. شاهد این مدعا حضور گسترده زنان در اعتراضات و بلند کردن پرچمهایی است که "نه به وضع موجود" است. سر دادن شعار مورد بحث به معنی این است که جامعه مسبب بدبختی‌های خود را شناخته است. جامعه و زنان در صف اول آن می‌دانند که سرمایه‌داری و فرهنگ ارتجاعی - که مردسالاری بخشی از آن است - خروجی بهتری از این ندارد. اما ما می‌توانیم و باید تغییر را ایجاد کنیم. همین شعار، صدای میلیونها زن در جامعه، لپ کلام سپیده قلیانهای جامعه ایران است که علیه آن به پا خاسته‌اند. انقلاب کارگری و جامعه‌ای سوسیالیستی تنها راه حل این وضعیت است. این تنها خواست قلبی ما نیست. این شعار نیست. به جامعه نگاه کنید. اگر قرار بر لغو کار مزدی است، اگر قرار است تبعیض بین زنان و مردان محو شود، اگر قرار است جامعه‌ای آزاد و مرفه باشد تنها در سایه انقلابی صورت می‌گیرد که مبنای آن تغییر بنیادی جامعه و همه قوانین ستمگرانه آن است. انقلاب ما، سوسیالیسم ما نقطه‌ای آغاز بازگشت اختیار به انسان است. نقطه‌ای آغاز راهی است که به انسان به عنوان یک انسان نگاه شود و جامعه‌ای را از شر تبعیضات آن رها کند. قدم اصلی و اساسی در این راه سرنگونی سرمایه‌داری است. سیستمی که مبنای آن تبعیض، استثمار و انباشت سود است و برای این کار هر سنت ارتجاعی و هر قانون ضد بشری را زنده می‌کند.

به صف ما بپیوندید. به صف انسانهایی که تلاش دارند جامعه را از شر سرمایه و سنت عقب مانده رها کنند. شلیر و شلیرها، همه ما، لیاقت زندگی در دنیای بهتری را داریم. این صف به شما نیاز دارد.

سیوان کریمی

سپتامبر ۲۰۲۲



## ۹. خود را برای مصافهای جدی آماده کنیم!

ساکنین محلات و بر اساس آن، شرایط لازم را برای فراهم کردن زمینه سازماندهی و تشکیل شوراهای کارگری و مردمی برای کنترل محل های کار و زیست را ، فراهم کنند، تا بتوان با آمادگی کامل سر بزنگاه سیاسی- اجتماعی تعیین کننده تحت هدایت قطب کمونیستی و چپ، به موقع و بدون فوت وقت اعمال اراده مستقیم مردم را از طریق مکانیزم شوراها برای حاکمیت مردم برای اداره جامعه، مادیت بخشید و اجازه نداد دستاوردهای مردم زحمتکش به یغما برود. نباید اجازه داد ارتجاع به شیوه ای دیگر این بار در قیای قومی- و بویژه در کردستان در قیامت گردانیتی و سنی گری خود را تحمیل کند. تحولات جامعه باید تحت هژمونی سیاسی - اجتماعی و هدایت گری قطب کمونیستی و چپ به پیش برود. بدون شک، سرنگونی حکومت اسلامی یک امر مهم و اولویت مبارزاتی است. در این راستا نباید از هیچگونه تلاش سازمانیافته و هدفمند، دریغ نمود. نفرت بی حد و مرز از رژیم اسلامی وجود دارد، اما این نفرت نباید صرفاً به سرنگونی حکومت اسلامی ترجمه شود. گام اساسی بعدی و سیستم حکومتی جایگزین را نباید فراموش کرد. از هم اکنون باید با برنامه، هدفمند، سازمانیافته و با دورنمای روشن حرکت کرد. جامعه را از خطرات آگاه و برای انتخاب واقعی که منافعشان تامین شود، آماده و سازماندهی کرد.

در خاتمه برای تقابل جدی و اساسی برای سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی و تقابل با آلترناتیو جنبش بورژوا ناسیونالیسم گرد، برای تحمیل حاکمیت مسلحانه خود و تامین منافع طبقاتی، سیاسی- اجتماعی شان و زد و بند از بالا با جنبش راست و بورژوائی در بعد سراسری و بازی با سرنواشت مردم در کردستان بعد از حکومت اسلامی، سازماندهی سراسری در ابعاد وسیع در جامعه کردستان از جمله ایجاد و سازماندهی شبکه محلات، ضرورتی مبرم است. وظیفه رهبران عملی کارگری، کمونیست، و جنبشهای توده ای اجتماعی رنان و جوانان، این است که برای مرتبط شدن و ایجاد شبکه سازماندهی وسیع این محافل حول "پلاتفرمی مشخص باین برنامه حاکمیت شورائی مردم در کردستان" تحت هژمونی سیاسی - اجتماعی و هدایت گری قطب کمونیستی و چپ، برای مادیت بخشیدن به حاکمیت مستقیم مردم بر اساس شوراهای مسلح مردمی، که تضمین کننده تداوم حاکمیت مردم و منافع کل جامعه است، اقدام کنند. زیرا مصافها و پیچیدگی سیاسی مبارزاتی جدی در تقابل با ارتجاع حاکم و قومی- مذهبی در پیش است. تا بتوان از تحمیل حاکمیت بورژوازی گرد در همدستی و هماهنگی با جریانات مذهبی - اخوان المسلمینی مکتب قرآنی، سلفی گری و سنی گری - با زور تفنگ سپاه کردستان در دستورشان جلوگیری کرد. از امروز آگاهانه و با برنامه، باید وارد عمل شد. فردا دیر است، تا بتوانیم از تحمیل حاکمیت هر گونه ارتجاع استثمارگر قومی- مذهبی و مدافع هر گونه نابرابری جلوگیری کرده و آن را به عقب رانده و پیروزی را تضمین نمود. جهت و سیاستهای مرکز همکاری کرد و تهدید و شاخه و شانه کشیدنهای امثال مصطفی هجری و امثالهم را بشکست کشانید و منافع اکثریت مردم کارکن و زحمتکش و آزادی و برابری و رفاه همگانی را در جامعه کردستان تامین و تضمین نمود!

اسماعیل ویسی

۲۰ شهریور ۱۴۰۱ - ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲

\*\*\*

esmail.waisi@gmail.com

# تشکیل شوراها در محل کار و محلات برای اعمال حاکمیت و اراده جمعی کارگران در محیط کار، و مردم در محلات امری مهم و ضروری در تحولات سیاسی پیش رو در ایران است.

زنده باد تشکیل شوراها



انقلاب خشونت نیست، بلکه درهم شکستن توحش و خشونت سازمانیافته موجود است.

Lenin

نه به جنگهای ویرانگر سرمایه داری!



دبیر کمیته کردستان : صالح سرداری  
saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر شریف زاده  
Abo\_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست است  
که هر ماه یک بار منتشر می شود!

سردبیر نشریه همایون گدازگر  
homayon\_1954@yahoo.de



آزادی، برابری، حکومت کارگری!